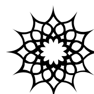
بسم الله الرحمن الرحيم

شیعه‌شناسی اهل سنت و چالش‌های فراروی آن

در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران

جلد اول، کلیات

دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی



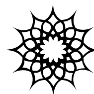


مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۱

سرشناسه : صداقت ثمرحسینی، کامیار، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پدیدآور : شیعه‌شناسی اهل سنت و چالش‌های فراروی آن در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران/کامیار صداقت‌ثمرحسینی.
مشخصات نشر : تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱-
مشخصات ظاهری : ج.
شابک : ج.۱ : 978-964-426-596-9؛ دوره : 978-964-426-597-6
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه.
مندرجات : ج.۱. کلیات.-
موضوع : شیعه -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها
موضوع : شیعه -- پرسش‌ها و پاسخ‌ها
موضوع : شیعه‌شناسی
موضوع : شیعه و اهل سنت
موضوع : اهل سنت و شیعه
موضوع : اهل سنت -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها
رده بندی کنگره : ۱۳۹۱ ۹ش۳۶ص/BP۲۱۲/۵
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۱۷
شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۸۷۳۲۲



شیعه‌شناسی اهل سنت و چالش‌های فراروی آن

در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران (جلد اول، کلیات)

مولف: دکتر کامیار صداقت ثمر حسینی
ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیر نشر: ناصر زعفرانچی
ناظر چاپ: مجید اسماعیلی‌زارع
نسخه‌پرداز: فرزانه صادقیان
آماده سازی: عرفان بهاردوست
حروف‌نگار و صفحه‌آرا: شهره خوری
طراح روی جلد: اعظم صادقیان
اجرای جلد: عطاا... کاویانی
چاپ اوّل: ۱۳۹۱
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: پیک فرهنگ
ردیف انتشار: ۲۷-۹۱
بها: ۷۵۰۰ تومان

شابک ۹_۵۹۶_۴۲۶_۹۶۴ـ ۹۷۸   شابک دوره: ۶-۵۹۷- ۴۲۶-۹۶۴-۹۷۸

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۶۴۱۹ـ۱۴۱۵۵، تلفن: ۳ـ۸۸۰۴۶۸۹۱، فاکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

التحدث بالنعم شُکر

حضرت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

به استادان گرامی خود که راهنما و مشوق من در انجام مطالعات تقریبی بوده‌اند، حضرت آیت‌الله آقای حاج شیخ محمد علی تسخیری و جناب آقای دکتر مهدی گلشنی تقدیم شد.

شکر و سپاس من به اساتید متقی

دلبستگان پرورش و انتقال علم

فهرست مطالب

سپاسگزاری

کتاب حاضر، مجلد اول از مجموعهٔ «شیعه‌شناسی اهل سنت» است که بـه رسـانه‌هـا، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، احزاب و گروه‌های سیاسی موافق و مخالفِ تقریب می‌پردازد. مجلد اول، در ۹ فصل به «مسایل شیعه‌شناسی اهل سنت در دوران معاصـر» و «سـلفیه و مخالفان تقریب مذاهب اسلامی» می‌پردازد. عناوین فصول آن عبارت‌اند از: (۱) توجـه بـه تعارضات درونی جهت یافتن موانع تقریب. (۲) باورها و عقاید رایج مخالفان تقریب دربـارهٔ شیعه. (۳) آشنایی با برخی از علمای تقریـب مـذاهب اسـلامی. (۴) نقـش آثـار شـیعی در شکل‌گیری شیعه‌شناسی اهل سنت. (۵) آشنایی با مکتب سلفیه – مثال موردی مصـر. (۶) امام خمینی در آثار شیعه‌شناسان مخالف تقریب. (۷) جنجال بر سر صحت برخی از روایات صحیح بخاری. (۸) آشنایی با برخی از مخالفان تقریب مذاهب اسلامی. (۹) دربـارهٔ آینـده شیعه‌شناسی.

در اینجا بر خود لازم می‌دانم از مساعدت مجمع جهانی تقریـب مـذاهب اسـلامی، بـه ویژه از زحمات حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای علی اصغر اوحدی، کـه نسـبت بـه انتشار این اثر بذل توجه فرمودند، قدردانی نمایم. ذکر این نکتـه نیـز ضـروری اسـت کـه مسئولیت خطاهای احتمالی، که ممکن است در این اثـر راه یافتـه باشـد، کـلاً بـه عهـدهٔ اینجانب است. بدیهی است که اظهار نظرهـای صـاحب‌نظـران موجـبِ مسـرت و امتنـان خواهد بود. از خدای بزرگ مسئلت دارم که در ادامه این راه توفیق بیشتری عنایت فرمایـد و این خدمت به قرآن و اسلام و شیعه را از ما بپذیرد. «**إنه حمید مجید**»

در خاتمه، از همکاران خوب خود در واحد انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعـات فرهنگی، به ویژه جناب آقای ناصر زعفرانچی مدیر محترم آن انتشارات و نیز سرکار خـانم خوری و جناب آقای عرفان بهاردوست که در صفحه‌آرایی کتـاب یـاری رسـاندند، تشـکر می‌کنم و از خداوند متعال توفیقات روزافزون ایشان را مسئلت دارم.

کامیار صداقت ثمرحسینی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بهار سال ۱۳۹۱

مدخل

اصول و قواعد مطالعه درباره شیعه‌شناسی اهل‌سنت

مدخل

شیعه‌شناسی معاصر اهل سنت، یکـی از موضـوعات مهـم مطالعـات فرهنگـی جمهـوری اسـلامی ایـران اسـت. ایـران کشـوری اسـلامی اسـت و جـز جمهـوری ارمنسـتان، تمـامی همسایگان آن دارای اکثریتی قریب به اتفاق مسلمان هسـتند و در آنهـا شـیعه و اهـل سـنت زندگی می‌کنند. این‌چنین اگر پیوندهای ایران بـا دیگـر کشـورهای جهـان مـورد توجـه قـرار گیرد، بی‌شک، مطالعه دربارهٔ مذاهب اسلامی، به ویـژه بـا رویکـرد تقریـب مـذاهب اسـلامی، اولویت اول مطالعاتی آن خواهد بود. ایران ناگزیر از تعامل با دیگر کشـورهای اسـلامی اسـت و سرنوشتی که برای منطقهٔ خاورمیانـه و شـمال آفریقـا رقـم مـی‌خـورد؛ خـواه‌نـاخواه بـر آن تأثیرگذار است.

علاوه بر ضرورت‌هایی که زندگی در منطقه، و در جوار همسایگان اقتضا دارد، بایـد بـه اعتقاد به امت واحدهٔ اسلامی و اهمیت وحدت اسلامی نیـز اشـاره کـرد؛ چـرا کـه قـدرت مسلمانان در باهم بودن آنهاست:

مورچگان را چو بُوَد اتفاق　　　شیر ژیان را بدرانند پوست.

و این‌چنین است که اسلام بر وحدت و دوری از تفرقـه تاکیـد دارد: «إِنّ اللَّـهَ یحُـبُّ الّذِینَ یُقَتِلُونَ فِی سَبِیلِهِ صَفًّا کَأَنَّهُم بُنْیَنٌ مَّرْصُوص» (قرآن مجید، فتح، ۲۹) و پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: «عَلَیکَ بِالجماعةِ فإنما یَأکُل الذئب القاصیة». (مسـند احمـد، ج ۶ ص ۴۴۶)

و حضرت علی (علیه‌السلام) در میان امت رسول الله، بیش از همه، به دنبال وحدت و الفت میان مسلمانان بودند. چنانکه فرمودند: «و لیس رَجُل احرص عَلی جَماعةِ أمةِ مُحمدٍ و اُلفتها مِنِی.» بنابراین اولویت اصلی اندیشمندان جهان اسلام، وحدت و همدلی است و از آنجا که شناخت درد مقدم بر درمان آن است، درمان تفرقه در گرو شناخت صحیح عوامـل و ریشه‌های شکل‌گیری آن است.

از سوی دیگر مخالفان وحدت اسلامی و به ویژه غربیان، کوشیده‌اند تا جهت کسب و تداوم منافع نامشروعشان، با شناخت زمینه‌های اختلاف در جوامع اسلامی، به اختلاف میان مسلمانان دامن بزنند. بنابراین پیش از آنکه دشمنان نقاط ضعف و قوت مسلمانان را شناسایی کنند، باید مسلمانان خود بدان بپردازند. البته در میان پیروان همهٔ مذاهب اسلامی، عده‌ای مخالف تقریب مذاهب اسلامی و در نتیجه وحدت و همکاری اسلامی هستند. این امر دلایل مختلفی دارد. برخی از این دلایل درونی است که از زمرهٔ آنها می‌توان به عدم اطلاع کافی از مبانی تقریبی اسلام، روحیه پذیرش جزمی در قبال صحت برخی از متون، عدم درک صحیح از وضعیت جهان اسلام و مخاطرات فراروی آن، و نیز ترجیح دادن منافع سیاسی فردی و گروهی (در برابر منافع جمعی مسلمانان) اشاره کرد. برخی دیگر از دلایل مذکور، دلایلی بیرونی است و عمدتاً به نقش استعمارگران غربی مربوط می‌شود که جهان اسلام را به مناطق نفوذ خود تقسیم کرده‌اند. البته این گمان که هر که مخالف تقریب مذاهب اسلامی باشد، بی‌تردید دست‌نشاندهٔ استعمار غربی است، صحیح نیست؛ اما باید توجه داشت که استعمارگران غالباً به صورت مستقیم وارد عمل نمی‌شوند و اتفاقاً با آگاهی بر زمینه‌های تفرقه و تضاد، ترتیبی می‌دهند تا مسلمانان خود به جان هم بیفتند؛ بی‌آنکه بدانند اصل ماجرا از چه قرار بوده است. از این‌رو در حال حاضر عمده مخاطرات جهان اسلام، ناشی از جهل مسلمانان نسبت به دشمنانشان نیست، بلکه ناشی از عمل نکردن آنان به علم خود است.

جامعه‌شناسان در تعریف جامعه گفته‌اند که جامعه متشکل از افرادی است که با اهداف و منافعی مشترک، جهت رفع نیازهای خود با یکدیگر «رابطه» برقرار می‌کنند. از این‌رو در فضای مفهومی اصطلاح جامعه، «وجود روابط میان انسانها»، «نیاز انسانها به برقراری روابط بین خویش»، «برقراری قواعد و سلسله مراتبی برای تنظیم این روابط» دیده می‌شود. (نک: رفیع پور، ۱۳۷۸: ۳۵) تشکیل جامعه بدون وجود اعضاء و وجود ارتباط متقابل میان آنها ناممکن است. در اینجا تنها جمع شدن عده‌ای از افراد مطرح نیست، بلکه در کنار آن باید «تعاون» و به تعبیر ابن مسکویه «تضافر» (پشت هم ایستادن) شکل پذیرد. در اندیشهٔ اسلامی تعاون بر پایهٔ حق مشروعیت می‌یابد. امام علی (علیه‌السلام) در خطبهٔ ۱۲۷ نهج‌البلاغه، پس از مذمت افراط و تفریط کنندگان در حق خویش، می‌فرمایند:

فإنَّ یَدَ الله مع الجماعةِ و ایَّاکُم و الفُرْقَة فإنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاس لِلشَـیْطَانِ کَمَا أن الشَّاذّ مِنَ الغَنَمِ لِلذِّئب. دست خدا (یاری خدا) بر سر جماعت است. آن که از جمع مسلمانان به یک سو شود، بهرهٔ شیطان است. چنانکه گوسفند

چون از گله دور ماند، نصیب گرگ بیابان است. (نهج‌البلاغه: ۱۳۶۸: ۱۲۵)

هر چه پیوندهای جامعه بیشتر باشد، احتمال بقای آن نیز بیشتر است و هر چه پیوندهای موجود در یک جامعه کمتر شود، احتمال فروپاشی آن بیشتر می‌شود. بنابراین اندیشهٔ تقریب و وحدت اسلامی، اندیشه‌ای برای بقای عزت‌مندانهٔ مسلمانان است.

کتاب حاضر به دو دسته دیدگاه‌های موافقان و مخالفان تقریب مذاهب اسلامی از برادران اهل سنت می‌پردازد و البته تاکید دارد گویندهٔ «شهادتین»، هرچند مخالف شیعه و یا تقریب مذاهب اسلامی باشد، مسلمان است و به حکم اسلام، جان و مال و ناموس او محترم است. او اگر مورد حمله دشمنان اسلام واقع شود وظیفهٔ هر مسلمانی است که در حد توان و بضاعت خود به او یاری رساند. چنانکه برخی از مراجع عالیقدر شیعه، «حسن معاشرت» با گوینده شهادتین، حتی اگر شیعیان را کافر بداند، لازم شمرده اند. (نک: فصل چهارم) البته هرکس هم که مرتکب جُرم و جنایتی نظیر ترور و بمب‌گذاری و مانند آن شود، باید مطابق شریعت اسلامی محاکمه و مجازات شود و این معنا نیز شیعه و سنی نمی‌شناسد.

با این توضیح، باید با موافقان و مخالفان تقریب مذاهب اسلامی آشنا شد. آنها دربارهٔ شیعه و تقریب مذاهب اسلامی چگونه فکر می‌کنند و معمولاً از چه خاستگاه‌های جغرافیایی و فکری برخاسته‌اند. و نیز آنکه آیا مشکل مخالفان تقریب مذاهب اسلامی صرفاً با شیعه است و یا آنکه با سایر فرق و مذاهب اسلامی و مشرب‌های فکری مسلمانان، دچار تعارض و اختلاف هستند؟ این‌گونه تأملات، امکانات خوبی را جهت شناخت نقاط ضعف و قوت مسلمانان نشان می‌دهند و صورت مسئله‌های نوینی را در این حوزه مشخص می‌کنند که بی‌تردید از شروط انجام آن، توجه بیشتر به منبع‌شناسی است.

در اینجا مناسب است تا به اختصار به برخی از نکات و لوازم مطالعه دربارهٔ شیعه‌شناسی اهل سنت اشاره شود. آنها عبارت‌اند از:

۱. رعایت ادب و اخلاق اسلامی لازمهٔ انجام هر پژوهشی است ولی قبح عدم رعایت آن در پژوهش‌های دینی و اسلامی مشهودتر است. بررسی دربارهٔ اختلافات درونی پیروان سلفیه و یا اختلاف میان پیروان سلفیه و صوفیه و مانند آن، باید با رعایت اخلاق و ادب همراه باشد.

۲. در میان پیروان همهٔ مذاهب اسلامی افرادی هستند که معتقد به تقریب مذاهب اسلامی نیستند و نباید به استناد اعمال و رفتار آنان، به قضاوت دربارهٔ معتقدان به تقریب مذاهب اسلامی پرداخت. و البته باید داشت که مخالفان تقریب نیز شامل طیف‌های فکری

مختلفی هستند و اینگونه نیست که باب گفت‌وگو با تمامی آنها بسته باشد. اگر چه عده‌ای از آنان راه عناد را در پیش گرفته‌اند؛ اما شمار بسیاری از آنان نیز هستند که اقوال و استدلال‌ها را می‌شنوند و بهترین‌شان را انتخاب می‌کنند. در اینجا اهمیت منبع‌شناسی به منظور تفکیک دسته‌بندی‌های فکری مقابل یکدیگر ملموس‌تر می‌شود. در صورت چنین تمیزی بسیاری از سوء تفاهم‌های حاصله از میان خواهد رفت.

۳. پژوهشگر باید جایگاه تاریخی نگارش هر منبع در حوزهٔ شیعه‌شناسی را مورد توجه قرار دهد. برای مثال بداند که نویسندهٔ مورد نظر، اثرش را در چه شرایط اجتماعی و سیاسی تألیف کرده و در مقام پاسخ دادن به چه ادعایی بوده است؟ آیا شرایط و مخاطبانی خاص مورد توجه او بوده‌اند و یا آنکه وی اثرش را برای همه و در همهٔ زمانها و مکانها صادق می‌داند؟ برای مثال فرض شود که کتابی دربارهٔ تکفیر پیروان مذهب شیعه نوشته شده است. بدیهی است که ردیه‌ای که بر آن کتاب نوشته می‌شود، باید در سیاق آن اثر ارزیابی شود. در صورتی که این موضوع مشخص شود بسیاری از سوء تفاهم‌ها از میان خواهد رفت.

۴. رجوع به منابع و مصادر اصلی پیروان هر یک از مذاهب اسلامی برای شناخت اعتقادات آنان لازم است، ولی علاوه بر آن، باید به تفسیرها و برداشت‌های مورد اجماعِ علمای آن مذهب از آن منابع و مصادر رجوع شود. پس نباید شیعه به مجموعه‌ای از روایات اهل سنت و یا سنی به مجموعه‌ای از روایات شیعه استناد کنند تا به خیال خود اعتقاد به تحریف قرآن در نزد دیگری را اثبات کنند. در حالی که هیچ‌یک از آن دو معتقد به چنان برداشت ناروایی از آن روایات و یا قائل به صحتِ آن روایات نیستند. پیروان مذاهب اسلامی برای درک متقابل از یکدیگر، باید از منابع روایی هم استفاده کنند و تفاسیر و دیدگاه‌های خود را با بیان دیدگاه‌های رقیب و در نظر گرفتن دلایل مخالف، بسنجند و بیان کنند و بی‌دلیل، پندار و گفتهٔ خود را به منزلهٔ اعتقاد دیگران نپندارند.

۵. زبان تقریب مذاهب اسلامی، زبانی جهانی و قابل فهم برای همهٔ پیروان مذاهب و نه تنها برخی از آنهاست. بنابراین باید به زبانی قابل فهم برای همه سخن گفت و منابع مشترک اسلامی (مانند منابع روایی مشترک) را توسعه داد. تفاوت در منابع مورد استفاده یکی از عوامل بروز اختلاف‌نظر است. و نیز باید از رفتار دوگانه پرهیز کرد. یعنی بدون ملاحظهٔ انواع وابستگی‌های نژادی، قومی و مذهبی، خوبی و عدالت را تحسین کرد و بدی و ظلم را تقبیح کرد. این دقیقاً بر پایهٔ خطاب اسلام است که: «شامل همهٔ مسلمانان با هر مذهبی می‌شود و جدا کردن اتباع هر مذهب از سایر مذاهب، بی معنی است. بنابراین همکاری،

حقوق متقابل و مسئولیت‌های عمومی، شامل همگان می‌شود.» (تسخیری، ۱۳۹۰: ۲۹۲)

۶. تکیه بر مصادر اصلی مذاهب اسلامی و نیز اقوال دانشمندان اسلامی نباید به روحیهٔ پذیرش جزمی کتابی منجر شود و به تدریج محقق را از حقیقت دور کند. در این کتاب به رساله‌ای از شیخ عبدالله الامام از علمای سلفی یمن (از شاگردان وادعی و مکتب آلبانی) استناد شده است که می‌پندارد ازدواج جن و انس مهم‌ترین معضل زندگی مسلمانان است. البته جن همانا حقیقتی قرآنی است و در خلقت آن تردیدی نیست، نیز برخی از فقهای همهٔ مذاهب گاه وارد چنین موضوعی شده‌اند، اما آیا در حال حاضر مشکل جهان اسلام، مشکل تربیت فرزندان حاصله از چنین ازدواج‌هایی است؟ در رسالهٔ او حتی یک مورد شاهد زنده از این ازدواج‌ها و یا کودکان حاصل از آن دیده نمی‌شود. اما به اتکای آنچه از ابن‌تیمیه و دیگران نقل می‌کند، که آنها هم از افراد معتمد خود شنیده‌اند، شکی در صحت ادعایش ندارد. او واقعاً خیال می‌کند که مشکل جهان اسلام چنین ازدواج‌هایی است و البته مشکلات واقعی جهان اسلام از قبیل تفرقه، ظلم و فساد حاکمان وابسته به قدرت‌های غربی را نمی‌بیند. همین اتفاق در شیعه‌شناسی برخی از شیوخ سلفی دیده می‌شود. آنها بی‌اعتنا به واقعیت‌های موجود، تنها بر اساس پاره‌ای از پیش‌فرض‌های ذهنی نادرست منتقل شده از گذشتگان، به جای نقد چنان باورهایی، بر گسترش آنها تاکید می‌کنند.

۷. در ستیزه‌های رسانه‌ای کوشش می‌شود تا دیدگاه‌های مورد نظر در قالب باورهای غالب، مطرح شوند و دیدگاه‌های دیگر در حاشیه و یا در ذیل آن تعریف شوند. بنابراین موفقیت گفتمانی یک دیدگاه تا حدود زیادی به ابزار قدرت و رسانه مربوط است و هدف اصلی از آن، تأثیرگذاری بر باورهای عمومی است. در چنین مواردی باید کلیت گفتمان را به چالش کشید و نقد را صرفاً به یک کتاب و یا جزوه خلاصه نکرد.

۸. سخنِ افراد لزوماً موضعِ مذاهبشان نیست. مواضع افراد با معیارهای متقن مذاهبشان سنجیده می‌شود و نه آنکه مذاهب بر پایهٔ دیدگاه‌های پیروانشان دائماً در حال تغییر باشد. همچنین نباید با مشاهدهٔ اعمال و رفتار برخی از پیروان مذاهب اسلامی (استقرای ناقص)، حکم کلی دربارهٔ آن مذاهب و پیروان آن صادر کرد. برای مثال برخی از مسلمانان تحت تأثیر اغوای فرهنگی غرب، به اخذ شیوه‌های زندگی غربی روی آورده‌اند. شیوهٔ زندگی آنان ملاک ارزیابی شریعت نیست. این شریعت است که ملاک ارزیابی و قضاوت دربارهٔ زندگی و اعمال و رفتار آنان است.

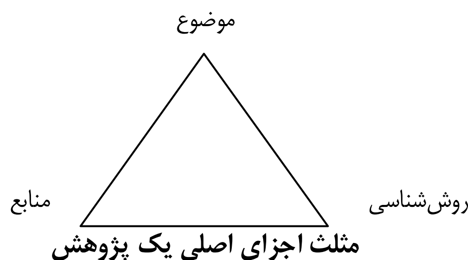
۹. علاوه بر شناختِ وجوه اشتراک‌نظر، شناختِ اختلافات درونی موجود میان پیروان

مذاهب اسلامی جهت توسعهٔ همکاری‌ها لازم است. به ویژه آنکه راهبردشناسان غربی کوشش می‌کنند تا بر زمینه‌های اختلاف در جهان اسلام احاطه یابند. در شناخت اختلاف باید اولاً دیدگاه عامه را از دیدگاه علمای مذهب جدا کرد و ثانیاً نقد دربارهٔ اشتباهات علمی را از نقد دربارهٔ انحرافات اعتقادی و اتهام ضلالت به یکدیگر بازشناخت و تمییز داد.

۱۰. برخی از قواعد عمومی روش تحقیق همچون هر پژوهش دیگر در نتیجهٔ شیعه‌شناسی تأثیرگذار است. از زمرهٔ قواعد مذکور عبارت‌اند از:

- قاعدهٔ اگر نقل کننده هستی پس سند.
- قاعدهٔ اگر مدعی هستی پس دلیل.
- قاعدهٔ الزام به بیان حقیقت و تمام حقیقت. (آنچه که ناگفتنش موجب انحراف مسیر پژوهش می‌شود)
- مطالعهٔ انتقادی به مثابهٔ تاسیس یک قاعدهٔ کلی در الزام به مدح خوبی‌ها و ذم بدی‌ها؛ از هر که باشد، و عدم تبدیل نقد به ابزاری برای عیب‌جویی.

۱۱. علم به اعتباری شامل موضوع، منابع (داده‌ها) و روش تحلیل آن داده‌هاست. برخی از اندیشمندان مسلمان (شیعه و یا اهل سنت) حداقل در یکی از سه عرصهٔ مذکور، متأثر از جریانهای فکری مغرب زمین بوده‌اند. این موضوع در شیعه‌شناسی اهل سنت هم دیده می‌شود. این امر دلایل مختلفی دارد که از زمرهٔ آنها می‌توان به تأثیرپذیری از سنت‌های مطالعاتی شرق‌شناسی بر اثر نهضت ترجمه، اعزام دانشجو به مراکز فرهنگی و آموزشی غرب، ورود اساتید غربی به جهان اسلام، سیاست دولت‌های غرب‌زده در جهان اسلام و مانند آن اشاره کرد.



مثلث اجزای اصلی یک پژوهش

برای مثال، نصر حامد ابوزید (۱۹۴۹ – ۲۰۱۰ م) که روش تفسیر او از قرآن که متأثر از سنت‌های تفسیری غربی است و موجب تکفیرش که شرح مفصلی از آن در کتاب (تفکر در عصر تکفیر) و نیز در ضمیمهٔ کتاب معنای متن، پژوهشی در علوم قرآن (ابوزید، ۱۳۸۷:

۴۸۲ -۴۹۲) آمده است، در کتاب «رویکرد عقلانی در تفسیر قرآن» با محوریت دادن به نقش عبدالله بن سبأ، شیعیان را به سه دسته تقسیم می‌کند: ۱. غلات (مؤسس آن: عبد الله بن سبأ)، ۲. امامیه، (مؤسس آن: مختار بن عبید) و ۳. زیدیه، (مؤسس آن زید بن علی زین‌العابدین) او در چنین سیاقی می‌اندیشد که اعتقاد به مهدویت در مقابل حکومتِ دنیوی بنی‌امیه مطرح شد. (ابوزید ۱۳۸۷: ۳۱) اعتقادی که به زعم او اساساً با کارآیی انسان که معتزله همواره به تاکید بر آن و دفاع از آن تلاش می‌کردند؛ متناقض است. (ص ۵۳) و یا محمد عابد الجابری (۱۹۳۶–۲۰۱۰ م) متأثر از لویی ماسینیون، اعتقاد به امامت در شیعه را امتداد هرمس‌گرایی[1] می‌داند و شیعیان را نخستین هرمس‌گرایان اسلام می‌خواند. (جابری، ۱۳۸۹: ۳۳۹–۳۴۰ و ۴۱۵) درباره نقاط ضعف پژوهشهای دینی جابری، مطالعهٔ کتاب محمد عماره، با عنوان «رد افترائات الجابری علی القرآن الکریم» جالب توجه است.

نیز روژه آرنالدز شرق‌شناس فرانسوی، در بیان دیدگاه محمد ارکون دربارهٔ اسلام می‌گوید که گرچه او دربارهٔ قرآن و سنت صحبت می‌کند ولی محقق غربی سریعاً متوجه این موضوع می‌شود که در حال بازگویی نظریه‌ای غربی است. (الشیخ، ۱۹۹۹: ۶۳) مثال‌ها در این زمینه بسیار است.

۱۲. در بررسی ادعاها دربارهٔ پیروان مذاهب اسلامی باید به امکان عینی تحقق آن ادعاها توجه شود. آیا ادعای مورد نظر امکان تحقق دارد و یا خیر؟ برای مثال وقتی گفته می‌شود که شیعیان از روی تقیه، در کتاب‌های درسی‌شان نوشته‌اند که قرآن تحریف نشده و هرگز نخواهد شد، این سئوال مطرح است که آیا ممکن است به میلیون‌ها کودک ایرانی در مدارس گفته شود که «قرآن تحریف نشده است» تا از روی تقیه! اهل سنت فریب ایشان را بخورند و بعد از تعطیلی مدارس صدها هزار خانواده بار دیگر به کودکان خود بیاموزند که: «هرچه در مدارس فرا گرفته‌اید از باب تقیه و برای دل‌خوش کردن سلفی‌ها بوده است!» واقعاً تقیه در ابعاد وسیع ده‌ها میلیون نفری به چه معناست!؟

و به عنوان مثالی دیگر، در جریان قیام شیعیان بحرین بر ضد ظلم و جور نظام مستبد آل خلیفه، مجموعه‌ای وسیع از منابعِ مکتوب و صوتی- تصویری در معرفی شیعه تولید شد. در یکی از این منابع با عنوان «الشیعة في البحرین من این أتوا...؟ خرافة السکان الاصلیین!» که توسط گروهی با عنوان «هیئة الدفاع عن عروبة و تاریخ البحرین» منتشر شده است، نویسندگان مدعی‌اند که شیعیان اکثریت مطلق در بحرین نیستند و مشکل اهل سنت، «اکثریت خاموش» آنهاست. و با اشاره به سیاست ایران در منطقه و قدرت یافتن شیعیان عراق در دوران پس از سقوط صدام می‌نویسد:

بهترین دلیل ما وضعیتی است که اکنون در عراق در جریان است و آن به واسطهٔ اقدام ایران در صدور نزدیک به چهار میلیون شیعی جهت تغییر ترکیب اهالی عراق ایجاد شده است. از زمره اینان صدهزار زنی هستند که جهت نیل به نتیجهٔ نهایی که ازدیاد تعداد شهروندان در جنوب عراق مطابق منافع ایران شیعی است، با حربهٔ متعه به ازدواج عراقی‌ها درآمده‌اند. (هیئة الدفاع عن العروبة، ۲۰۰۷: ۷–۸)

براستی نویسنده چه تصوری از اعدادی چون «صدور چهار میلیون نفر!» یا «یک‌صد هزار نفر زن ایرانی» که به خاطر «منافع سیاسی ایران» جهت «متعه» به عراق اعزام شده‌اند! دارد؟ و چگونه آنها می‌توانند با ناچیز شمردن سطح فهم و شعور مخاطبش چنین ادعاهای عجیب و غریبی را مطرح کنند؟ در مجلد دوم این اثر اشاره خواهد شد که «دقت‌نمایی» شیوه‌ای رایج در ستیزه‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی است که در جنگ روانی مخالفان تقریب مذاهب اسلامی بر ضد شیعیان کاربرد وسیعی دارد. یکی از عواملی که موجب می‌شود تا نظراتی چنین سخیف مطرح شوند، دو قطبی کردن جامعه بر پایهٔ مذهب، و از میان بردن فرهنگ تقریب است که عوام را مهیای پذیرش هر ادعایی بر علیه مذهب مقابل می‌کند. چرا که هر یک دیگری را غوطه‌ور در هاله‌ای از ارزش‌های منفی و ناپسند می‌بیند و چنین وضعیتی همانا مجرای ورود استعمار است.

۱۳. در برخی از آثار شیعه‌شناسی مسایل سیاسی و نیز قومی و نژادی بر مباحث علمی و اعتقادی تحمیل شده‌اند. نمونهٔ بارز آن در آثار مورد حمایت رژیم صدام حسین و یا رژیم آل خلیفه (بحرین) بر ضد شیعه و ایران دیده می‌شود. آثاری از قبیل «و جاء دور المجوس» و یا «لله ثم للتاریخ» در وهلهٔ اول آثاری سیاسی‌اند تا اعتقادی.

۱۴. حق پیروان هر مذهبی است که در پاسخ به دیدگاه‌های دیگران، به اشکال مختلف (نگارش کتاب، مقاله، ایراد سخنرانی و ...) اظهارنظر کنند. نقد آثار تیجانی و یا علامه شرف‌الدین عاملی (همچون کتاب المراجعات) توسط برادران اهل سنت، فی‌نفسه مغایر با آرمان تقریب نیست، چنانکه غالب آثار علامه سید مرتضی عسکری نیز در مقام پاسخ به نظرات برخی از نویسندگان سنی دربارهٔ شیعه بوده است. اما نباید پاسخ به یکدیگر، با تکفیر و توهین و مجوس و یهود و نصاری خواندن میلیون‌ها مسلمان همراه باشد. علم و نقد علمی معیارهای سنجش شناخته‌شده‌ای دارد که باید با رعایت اخلاق اسلامی بدان عمل کرد. به بیان آیت الله تسخیری:

تقریب به معنای شانه‌خالی کردن و عدم دفاع از مذهب و حقیقت تاریخی در نظر اتباع آن نیست؛ بنابراین، پژوهش عقایدی و تاریخی مانعی ندارد؛ مشروط بر اینکه در فضای